

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

پیشگام  
۰۲ می ۲۰۲۴

## کارگران افغانستان و زندگی طاقت فرسای زیر ستم

طبقه کارگر افغانستان از تهیدست ترین طبقات کشور ما به شما می رود. این طبقه مثل سایر طبقات زحمتکش، با زمامداری ستمگران و قاتلان بیش از پیش در باتلاق نیستی، ناداری، فقر و رنج فرو می رود. در بیست سال اشغال کشور ما به وسیله امریکا و ناتو و حاکمیت دولت پوشالی تکنوکرات – جهادی، کارگران در کنار سایر زحمتکشان فرودست؛ قربانیان اصلی جنگ ستمگرانه بودند.

فاشیست های طالب و داعش؛ کودکان، زنان و مردان این طبقه فرودست را در حملات انتحاری و بم گذاری در شهر ها و شاهراه ها می کشتند، در معادن ذبح می کردند و به رگبار می بستند. چپاولگران مافیائی دولت پوشالی با سرمایه گذاری در معادن زغال، طلا و ... کارگران فراوانی را در زیر تلی از زغال و سنگ دفن می کردند و جهادی ها از این طبقه برای باندهای تبه کارانه شان سرباز گیری می کردند.

ستمگران ناتوئی با عملی کردن اقتصاد بازار این طبقه را بیش از پیش پراکنده و به ناداری می کشانند و به بردگان مافیای اقتصادی تبدیل می کردند. با فقر روزافزون طبقه کارگر و سایر زحمتکشان، ثروت در دست عده ای معدودی از چپاولگران، به خصوص جهادی ها، که حمایت بی دریغ نیروهای امریکائی و ناتوئی را با خود داشتند، متراکم می شد. کوتاه این که: کشتار، قتل، شکنجه، فقر، ناداری، بیماری، اعتیاد، بیکاری و بلایهائی از این نوع شناسنامه کارگران و زحمتکشان شده بود؛ بگذریم از این که خیابان های شهرهای بزرگ با کودکان کار و خانم هائی که شغل شان دریوزه گری بود، پر شده بودند.

در روستاهای کشور، فاشیست های طالب و داعش با زجر دادن دهقانان از یک طرف و بمباردمان نیروهای امریکائی و ناتوئی بر خانه و کاشانه روستائیان و چاپه های شبانه دولت پوشالی از طرف دیگر، آنان را ناگزیر به فرار به شهر ها ساخته بودند و در شهرها، این دوزخ سوزان برای زحمتکشان، آنها سرنوشتی جز تبدیل شدن به کارگران روز مزد نداشتند.

با این وضعیت دردناک، اکنون که امپریالیست های امریکائی و ناتوئی مزدوران ارزان تری را نسبت به مزدوران «جمهوریت» بر اریکه قدرت در ارگ نصب کرده اند؛ در زندگی کارگران، نه تنها تغییر مثبتی به وجود نیامده، بلکه بر فقر و ناداری آنان افزوده شده است. ده ها هزار زن کارگر که در ادارات دولتی و غیر دولتی کار می کردند، از کار رانده شده اند، تقاعد کارگران متقاعد متوقف شده که وضع معیشت آنان را به پائین ترین سطح ممکن کاهش داده، خیابان

های شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک با کارگران روزمزد پر شده، شمار قابل توجه کارگران به ایران و پاکستان فرار کرده اند و یا هم در صدد فرار هستند، بگذریم از این که سطح کارگران بیکار بیش از پیش افزایش یافته است و این خود سطح استثمار طبقه کارگر را بالا برده است. در حال حاضر کارگران کشور ما، ارزان ترین نیروی کار در کشورهای منطقه به شمار می رود.

کارگران و زحمتکشان کشور ما چندین دهه است که در چنگال خونین عفریت ها و دیوهای خونخوار قرار دارند. این دیوهای خون آشام، جز فلاکت و دربه دری و بدبختی به کارگران و زحمتکشان چیزی دیگر اعطا نکرده اند، که کرده هم نمی توانند. عفریت طالب، ادامه عفریت جهادی و دولت پوشالی است و این دایره خبیثه ستم، سال هاست که زندگی کارگران و زحمتکشان کشور ما را جهنمی ساخته است. ماهیت مجاهد کراسی و ملاکراسی جز ضدیت با زحمتکشان و زندگی شرافتمندانه آنان چیز دیگر نیست، چنانچه ستمگران خارجی هم ماهیت جهادی ها و طالب ها بودند و هستند. بیجا نیست که حاکمان فاشیست کنونی بر راهی می روند که قبل از آنان، جهادی ها و ستمگران خارجی رفته اند و در آینده هم خواهند رفت.

جامعه ما به طور کل به دو قطب تقسیم شده است: قطب اکثریت زحمتکشان (کارگران، دهقانان، اهل کسبه و سایر فرودستان) و قطب اقلیت چپاولگران، انگلی ها و قاتلان. جهادی ها، طالبان، داعشی ها و ستمگران خارجی در قطب اقلیت قرار دارند که ماهیتاً خصم و دشمن زحمتکشان هستند. اینها مأموریتی جز ویران کردن زندگی زحمتکشان ندارند و اگر امروز می بینیم که امارت اسلامی طالبان با دربه در ساختن بیشتر کارگران و زحمتکشان، با زجر دادن آنان، با بیکار ساختن و گدا ساختن آنان زندگی طاقت فرسا و دوزخیی برای کارگران و زحمتکشان رقم می زنند، ادامه همان خصومتی است که فکر و باور تمام بنیادگرایان اسلامی و اربابان خارجی شان را می سازد. نه بنیادگرایی اسلامی، نه «جمهوریت» استعماری و نه ستمگران خارجی، هیچ کدام نمی توانند مسبب رفاه و آسایش کارگران و زحمتکشان باشند.

برابری، دموکراسی مردمی، جمهوری دموکراتیک حقیقی، رفاه و آسایش برای کارگران و زحمتکشان میسر نیست، مگر از طریق همبستگی و تلاش برای تغییر. کارگران و زحمتکشان، چنانچه گفته شد، اکثریت جامعه ما را تشکیل می دهند و نباید اجازه بدهند که اقلیت طفیلی و قاتل بر آنها حکم برانند. اگر حکمی در کار باشد، این حکم اکثریت بر اقلیت باید باشد. کارگران، زحمتکشان و سایر فرودستان به حیث اکثریت جامعه باید در جایگاهی قرار داشته باشند که بر اقلیت طفیلی حکم برانند و از منافع اکثریت به دفاع برخیزند. این امر نیازمند همبستگی میان کارگران، دهقانان، اهل کسبه، روشنفکران پیشرو و روشنگر و سایر انسان های متعهد به منافع اکثریت مردم است.

راه نجات کارگران از ستم و تعدی، راه رهائی تمام زحمتکشان از فلاکت و مصیبت و ظلم؛ نه راه طالب است، نه راه جهادی، نه راه تکنوکرات جاسوس و خاین و مزدورچه استعمارگران، بلکه راهی است که با دستان خود کارگران با همیاری سایر زحمتکشان رقم می خورد؛ این راه تنها راه پیروزی کارگران بر ستم و جنایت است.

اول می، روز همبستگی کارگران شکوهمند باد!